

بحار الانوار

در

دائرة المعارف تشیع

مجموعه بزرگ روایی - که به جوامع ثانویه حدیثی اشتها دارند - نوشته شدند که بحار الانوار مفصلترین آنهاست .
 علامه مجلسی وقتی دید پراکندگی روایات در کتابهای مختلف موجب شده که سخنان معصومین - علیهم السلام - کمتر مورد مراجعه قرار گیرد، دست به تألیف فهرستی برده کتاب روایی زد تا به این وسیله مراجعه به آنها را آسان کند .
 اما پس از آنکه این کتاب در سال ۱۰۷۰ ق به پایان رسید، چون بتهایی هدف او را عملی نمی ساخت، تا پایان عمر به جمع آوری و شرح و تفسیر احادیث ائمه اطهار - علیهم السلام - پرداخت و در نتیجه بزرگترین دائرة المعارف شیعی را به نام بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الأطهار تألیف نمود .

این کتاب در طول سه قرن که از تألیف آن می گذرد همواره مورد توجه و مراجعه محققان بوده است . و کتابهایی درباره آن به عنوان فهرست یا تلخیص یا ترجمه بعضی مجلدات آن نوشته شده است . اما کمتر به نوشتاری مستقل در معرفی آن و توضیح و تحلیل روش و هدف علامه مجلسی برخورد می کنیم . گرچه در کتابهای تراجم و نیز فهرستها با اندک توضیحاتی درباره آن مواجه می شویم ، اما اینها هرگز نمی توانند نشان دهنده چهره واقعی بحار الانوار باشند .
 اخیراً جناب آقای بهاء الدین خرمشاهی مقاله ای با عنوان «بحار الانوار» نوشته اند که در دائرة المعارف تشیع (ج ۳، ص ۹۱-۹۸) چاپ شده است و در کتاب سیر بی سلوک نیز آمده است . ما در اینجا به بررسی این مقاله و بیان برخی از نقاط قوت و ضعف آن می پردازیم .
 ۱- در این مقاله آمده است : «او ۱۳ کتاب به عربی و ۵۳ کتاب به فارسی دارد» .

ظاهراً نویسنده این عبارت را از مقدمه مرحوم آیت الله ربانی بر جلد اول بحار گرفته است که در آن مقدمه سیزده کتاب عربی و ۵۳ کتاب فارسی از علامه مجلسی نام برده و فرموده چند کتاب نیز منسوب به ایشان است .^۱ ولی شیخ آقا بزرگ تهرانی در الذریعه مجموعاً ۷۸ کتاب از علامه مجلسی نام برده است .^۲ گرچه مرحوم امیر

۱ . مقدمه جلد اول بحار الانوار، ص ۱۲-۱۴ .

۲ . رجوع شود به معجم مؤلفی الشیعه، ص ۳۸۳ .

دائرة المعارف تشیع

زین
 امیر علی سجادی
 کامران کمالی

جلد اول
 آب - احیا

بیانچه نویسنده کتاب
 تهران ۱۳۱۱

بحار الانوار، بزرگترین مجموعه روایی شیعه و حاصل چهل سال تلاش و تحقیق همه جانبه و بی وقفه علامه مجلسی - قدس الله نفسه الزکیه - است .
 پس از آنکه محمدون (یا مشایخ) ثلاثه کتب اربعه حدیثی را تألیف نمودند و همزمان با آنها دهها کتاب روایی دیگر نیز تألیف گردید، لزوم گردآوری آنها در مجموعه ای که جامع همه احادیث و مشتمل بر موضوعات گوناگون باشد احساس می شد . تا آنکه در اواخر قرن یازدهم هجری چند

محمد حسین خاتون‌آبادی در فهرست تألیفات علامه مجلسی تنها ده کتاب عربی و چهل و نه کتاب فارسی را نام برده است،^۱ اما به هر حال قدر مسلم آن است که تألیفات علامه مجلسی بیش از آن است که در مقاله آقای خرمشاهی آمده است. همچنین مؤلفان کتابشناسی مجلسی در مجموع، نوزده کتاب و رساله و وصیت عربی و هفتاد کتاب فارسی از علامه مجلسی را با نقل آغاز و انجام هر کدام، معرفی کرده‌اند. ۲- در مقاله آمده است: «برای آنکه شأن بحارالأنوار در میان مجموعه‌های معتبر حدیث شیعه روشتر شود و ارجاعات و اشاراتی که به آنها در این مقاله هست بدون ابهام باشد به اختصار تمام به هشت کتاب عمده و معتبر حدیث شیعه اشاره می‌کنیم.»^۴

آنگاه یک ستون از دائرةالمعارف به معرفی کتب اربعه و وافی و وسائل الشیعه و مستدرک الوسائل اختصاص داده شده است. گرچه برای روشن شدن شأن بحارالأنوار در میان سایر مجموعه‌های حدیثی معرفی این کتابها لازم و ضروری به نظر می‌رسد، اما معرفی کردن آنها بدون کمترین مقایسه‌ای بین آنها و بحارالأنوار چیزی را روشن نمی‌کند. بله اینگونه معرفی تنها شأن بحارالأنوار را از حیث حجم و تعداد مجلدات در میان سایر مجموعه‌ها مشخص می‌کند که این هم نیازی به این طول و تفصیل ندارد. مضافاً اینکه در تمام این مقاله هیچ ارجاعی به این مجموعه‌ها وجود ندارد.

۳- در مقاله آمده است: «کافی تألیف محمد بن یعقوب کلینی که شامل حدود شانزده هزار حدیث است ... من لایحضره الفقیه تألیف شیخ صدوق یا ابن بابویه که شامل ۵۹۹۸ حدیث است ... تهذیب تألیف شیخ الطائفه محمد بن حسن طوسی شامل ۱۳۵۹۰ حدیث ... استبصار تألیف همو، شامل ۵۵۱۱ حدیث.»

علت آنکه ایشان تعداد احادیث کافی را به صورت تقریبی ذکر کردند، آن است که در تعداد احادیث کافی اختلاف است. برخی ۱۵۱۷۶ حدیث^۲ و برخی ۱۶۰۰۰^۳ و بعضی ۱۶۱۲۱ حدیث^۴ و گروهی نیز ۱۶۱۹۹^۵ ذکر کرده‌اند. شاید علت این اختلاف آن باشد که بعضی از روایات در کتاب کافی تکرار شده‌اند و بعضی روایات

تقطیع شده و هر بخش آن در یک باب جداگانه آمده است و گاهی یک روایت با دو یا چند سند نقل شده است. و بعضی از دانشمندان هر کدام از اینها را یک حدیث جداگانه به حساب آورده‌اند و بعضی مجموع اینها را یک حدیث قرار داده‌اند و این اختلاف در شمارش احادیث کافی از اینجا به وجود آمده است. و بهتر همان است که آقای خرمشاهی به صورت تقریبی ذکر کرده‌اند.

اما تعداد احادیث «من لایحضره الفقیه» را که آقای خرمشاهی ۵۹۹۸ حدیث ذکر کرده‌اند، به احتمال زیاد از کتاب الذریعه گرفته‌اند.^۶ اما در طبع جدید کتاب «من لایحضره الفقیه» - که به گفته خود نویسنده مقاله بهترین تصحیح و طبع آن کتاب است - تعداد احادیث آن ۵۹۲۰ حدیث شمارش شده است.

همچنین تعداد احادیث «تهذیب» را همچون علامه سید محسن امین^۷ و نیز علامه آقا بزرگ تهرانی^۸ ۱۳۵۹۰ دانسته‌اند، در حالی که تعداد احادیث آن طبق بهترین طبع آن که در مقاله از آن یاد شده است ۱۳۹۸۸ حدیث می‌باشد. اما در تعداد احادیث استبصار هیچ اختلافی نیست. زیرا نویسنده آن شیخ الطائفه - رضوان الله علیه - در پایان کتاب تعداد احادیث آن را ۵۵۱۱ حدیث ذکر کرده است.^۹

۱. کتابشناسی مجلسی، ص ۴۲-۵۰.

۲. مقدمه دکتر حسین علی محفوظ بر جلد اول اصول کافی، ص ۲۸.

۳. الذریعه، ج ۱۷، ص ۲۴۵.

۴. رجال بحر العلوم، ج ۳، ص ۳۳۱ (پاورقی).

۵. لؤلؤة البحرین، ص ۳۹۴؛ الذریعه، ج ۱۳، ص ۹۵؛ رجال بحر العلوم، ج ۳، ص ۳۳۱؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۵۴۱؛ کلیات فی علم الرجال، ص ۳۵۰.

۶. الذریعه، ج ۲۲، ص ۳۳۳.

۷. اعیان الشیعه، ج ۹، ص ۱۶۱.

۸. الذریعه، ج ۴، ص ۵۰۴.

۹. الاستبصار، ج ۴، ص ۳۴۳.

چون آقای خرمشاهی در این قسمت مقاله در مقام معرفی این کتابها بوده است، لازم بود که نام کامل دو کتاب تهذیب و استبصار را ذکر می کردند؛ یعنی «تهذیب الأحکام» و «الإستبصار فیما اختلف من الأخبار».

عقلی و کلامی و فلسفی و ریاضی در بحار الأنوار، خصوصاً در جلد اول و سوم و چهاردهم - از چاپ کمپانی - فراوان به چشم می خورد. مانند بیان ماهیت عقل: ج ۱، ص ۹۹؛ برهانهای توحید: ج ۳، ص ۲۳۰؛ درباره احباط و تکفیر: ج ۵، ص ۳۳۲؛ عصمت انبیا: ج ۱۱، ص ۸۹؛ حقیقت معجزه: ج ۱۷، ص ۲۲۲؛ کروی بودن زمین: ج ۶۰، ص ۹۵؛ حقیقت نفس و روح: ج ۶۱، ص ۶۸؛ قبله مسجد کوفه: ج ۱۰۰، ص ۴۳۱.

ثانیاً چرا آنچه در بحار الأنوار نقل شده است، محدود کرده و «تا قرن هشتم» ذکر کرده اند. با آنکه کلمات اعلام و بزرگانی که در سه قرن بعد از آن نیز آمده اند در بحار الأنوار مطرح شده است؛ همان گونه که در موارد بسیاری از والد خود علامه محمد تقی مجلسی - رضوان الله علیه - سخنان و تحقیقاتی را نقل کرده است و در جلد ۱۰۹، ص ۱۲۵ رساله ای را از میرداماد نقل کرده است. همچنین مسأله «حرکت جوهری» که هم از علوم عقلی است و هم در قرن یازدهم مطرح شده است، در بحار الأنوار آمده است:

وقال بعضهم بناء على القول بالحركة في الجواهر ان الصورة النوعية الجمادية المنوية تترقى إلى أن تصير نفساً نباتية، ثم تترقى إلى أن تصير نفساً حيوانية وروحاً حيوانياً ثم تترقى إلى أن تصير نفساً مجرداً على زعمه مدركة للكليات، ثم تترقى إلى أن تصير نفساً قدسياً وروح القدس و على زعمه يتحد بالعقل.^۱

۸- در مقاله آمده است: «چنین دائرة المعارف پرموضوع و مدخلی نه در ده قرن اول تاریخ شیعه تا عصر مجلسی و نه در سه قرن کاملی که از وفات او می گذرد در عالم تشیع و نیز سایر مذاهب اسلامی نوشته نشده است.» به نظر می رسد که دائرة المعارفهای مثل بحار الأنوار

۴- در مورد وافی گفته اند: «و گویا مؤسسه آل البيت در قم انتشار طبع مصحح و منقحی از آن را همانند وسائل الشیعه و مستدرک الوسائل جزو برنامه های خود دارد». گرچه مؤسسه مذکور تصمیم به تصحیح کتاب وافی گرفت، اما پس از آنکه کتاب وافی توسط مکتبه الإمام امیر المؤمنین علی - علیه السلام - اصفهان و با تصحیح و تعلیق آقای ضیاء الدین حسینی اصفهانی منتشر شد، مؤسسه آل البيت از تصحیح و طبع مجدد وافی صرف نظر کرد.

۵- در معرفی مستدرک الوسائل آمده است: «و اخیراً مؤسسه آل البيت آن را به شیوه حروفی با تحقیق و تصحیح علمی به طبع رسانده است قم، ۱۴۰۷ هـ ق».

بهرتر بود برای آنکه خواننده به اشتباه نیفتد اشاره شود که خاتمه مستدرک الوسائل، که یک سوم کتاب می باشد و قسمت مهم و عمده مستدرک همان خاتمه آن است، هنوز توسط مؤسسه مزبور چاپ نشده است. علاوه بر اینکه این تصحیح از کارهای آغازین مؤسسه آل البيت است و تصحیح آن به وجه علمی و دقیق نیست.

۶- در ص ۹۲ آمده است: «و ترتیب آنها مانند ابواب خود وسائل است که آن نیز همانند ابواب فقهی از طهارت تا دیات است».

چون ابواب فقهی در کتابهای متفاوت از سبک و روش واحدی در تقدیم و تأخیر مباحث فقهی پیروی نمی کنند، دقیقتر آن بود که گفته شود: ... که آن نیز همانند ابواب فقهی کتاب شرایع الاسلام از طهارت تا دیات است. زیرا کتاب وسائل الشیعه طبق ترتیب مباحث و مسائل آن تنظیم شده است.

۷- در ذیل محتویات بحار الأنوار آمده است: «و مواد اصلی علوم نقلی و نیز تجربی اعلام و بزرگان شیعه از صحابه رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - و اصحاب ائمه - علیه السلام - تا قرن هشتم در آن گردآوری شده است».

در اینجا دو نکته جای تأمل دارد: اولاً چرا علوم عقلی را ذکر نکرده است؟! با آنکه مباحث و موارد مربوط به علوم

۱. بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۴۶.

نوشته شده است؛ مانند کتاب «حدائق العارفین الجامع لمافی الوافی و البحار والوسائل و مستدرکه من أخبار الأئمة الطاهرین» از میرزا فضل علی بن عبدالکریم تبریزی^۱. همچنین کتاب العوالم، جامع العلوم والمعارف و الأحوال من الآیات و الأخبار والأقوال از شیخ عبدالله بن نورالدین بحرانی که مرحوم علامه آقا بزرگ تهرانی گفته است: «این کتاب بسیار بزرگتر از بحار الأنوار است»^۲. گرچه این کتابها از نظر حجم بیشتر از بحار الأنوارند، ولی هیچکدام نه اعتبار بحار را دارند و نه اشتها و معروفیت آن را. زیرا بی نظیر بودن بحار الأنوار تنها معلول پرموضوع و مدخل بودن آن نیست، بلکه معلول ویژگیهای خاص آن است که بعداً به آن اشاره خواهد شد.

۹- در مقاله آمده است: «مجلسی این اثر عظیم را که در چاپ جدید در صد و ده مجلد (= در ۲۳۲۷ باب) و بالغ بر حدود چهل هزار صفحه است در طی مدت سی و شش سال از ۱۰۷۰ تا ۱۱۰۶ ق. با همکاری جمع کثیری از فضلا و شاگردان ارشد خود به پایان برده است».

نویسنده محترم تعداد بابهای بحار الأنوار را ۲۳۲۷ باب ذکر کرده است، اما در سه سطر بعد، که به معرفی مجموع مجلدات بیست و پنج گانه آن همراه با ذکر تعداد ابواب هر مجلد پرداخته است، مجموعاً ۲۴۳۳ باب ذکر کرده است که این عدد بیش از صد باب با عدد قبلی تفاوت دارد. گرچه مرحوم حاجی نوری تعداد ابواب آن را ۲۰۴۲ باب ذکر کرده است،^۳ ولی به نظر می رسد که عدد ۲۴۳۳ باب که در الذریعه آمده است،^۴ و نویسنده مقاله نیز در معرفی مجلدات و تعداد ابواب بحار به آن اعتماد کرده است، به واقع نزدیکتر است.

اما آنکه تألیف بحار الأنوار را «در طی مدت سی و شش سال» ذکر کرده اند، صحیح نیست؛ زیرا علامه مجلسی از سال ۱۰۷۰، که تاریخ ختم «فهرس مصنفات الأصحاب» است، به تألیف و جمع آوری بحار الأنوار اشتغال ورزید و تا پایان عمر خود، که سال ۱۱۱۰ ق است، به آن اشتغال داشته است که دقیقاً چهل سال می باشد. علاوه بر آنکه هنگام وفات علامه مجلسی هنوز تألیف بحار الأنوار پایان

نیافته بود و پس از وی مدتی شاگردان او به پاکتویس و تنظیم مجلدات باقی مانده آن اشتغال داشته اند.

اما آنکه گفته اند: «با همکاری جمع کثیری از فضلا و شاگردان ارشد خود...» بسیار کلام عجیبی است؛ زیرا شاگردانی که با علامه مجلسی در تألیف بحار همکاری می کردند پنج نفر به نامهای زیر بوده اند:^۵
 ا: آمنه خاتون خواهر علامه مجلسی؛
 ب: میر محمد صالح خاتون آبادی؛
 ج: میرزا عبدالله افندی؛
 د: مولی عبدالله بن نورالدین بحرینی؛
 ه: سید نعمت الله جزائری.

و از طرفی می دانیم که علامه مجلسی متجاوز از هزار نفر شاگرد داشته است^۶ و آیا پنج نفر از یک جمع هزار نفری یا بیشتر را «جمع کثیری از شاگردان» می گویند؟!.

۱۰- در مقاله آمده است: «جلد هشت چاپ سنگی برابر با مجلدات ۲۸ تا ۳۴ چاپ جدید...» است. در اینجا لازم بود که نویسنده تذکر دهد که در چاپ جدید، جلدهای ۲۹، ۳۰، ۳۱ و ۳۴ هنوز چاپ نشده است و تنها جلدهای ۳۲ و ۳۳ اخیراً به همت انتشارات وزارت ارشاد اسلامی به صورتی مغلوط و به دور از شأن این کتاب و بدون تصحیح انتقادی چاپ شده است.

۱۱- بهترین بخش این مقاله، قسمت توضیح «روش و هدف مجلسی» است که بیش از یک صفحه به آن اختصاص داده است. گرچه کلمه «هدف» نیز جزء عنوان این قسمت

۱. الذریعه، ج ۶، ص ۲۸۹.

۲. همان، ج ۱۵، ص ۳۵۶.

۳. دارالسلام، ج ۲، ص ۲۳۸-۲۴۰.

۴. الذریعه، ج ۳، ص ۱۷-۲۶.

۵. زندگینامه علامه مجلسی، سید مصلح الدین مهدوی، ج ۲، ص ۲۲۶.

۶. همان ج ۲، ص ۳.

است، اما اصلاً از هدف علامه مجلسی از تألیف این کتاب چیزی ذکر نکرده است؛ مگر ترجمه قسمتی از مقدمه بحارالأنوار که آن هم بیشتر به بیان روش و چگونگی تألیف کتاب مربوط است.

به هر حال نویسنده چهار مشخصه اصلی برای بیان روش علامه مجلسی ذکر کرده است: ا: نص گرای به معنی مثبت کلمه. ب: جدانمودن روایت عینی از درایت ذهنی. ج: نقل از منابع اصیل و به دست دادن کتابشناسی آنها. د: اختصار اسناد و اخبار.

یکی از مهمترین ویژگیهای بحارالأنوار، همان گونه که آقای خرمشاهی ذکر کرده، نقل از منابع اصیل و کهن است. برای تحقق بخشیدن به این منظور، علامه مجلسی معتبرترین نسخ خطی کتابهای روایی را تهیه نموده است. مرحوم آیت الله علامه شعرانی می فرماید: «مؤلف بحارالأنوار به گنجینه‌هایی از علم که برای هر کس اتفاق نمی افتد دسترسی پیدا کرد؛ زیرا نسخه‌های خطی کمیابی که در هر زمانی نمی توان آنها را تحصیل نمود از کتابهای علمای گذشته نزد او جمع شدند و او نیز این فرصت را غنیمت شمرده و همه را در یک کتاب جمع آوری کرد تا متفرق نشوند.^۱ در مواردی که نتوانسته است نسخه معتبر و تصحیح شده‌ای پیدا کند آن را تذکر داده و بقدر امکان آنها را خود تصحیح نموده است». (ر. ک: ج ۹۹، ص ۳۳۳ و ج ۴۶، ص ۳۲۶).

یکی دیگر از ویژگیهای اساسی بحار که نویسنده مقاله آن را تذکر نداده است آن است که این کتابها تنها جامع روایات نیست، بلکه شرح و تفسیرهای بسیار دقیق مؤلف آن و تبیین معضلات و مشکلات روایات موجب شده که این کتاب در ردیف کتابهای شرح اخبار قرار گیرد. لذا بسیاری از مراجعه کنندگان به آن با هدف اطلاع از بیان و توضیح علامه مجلسی از مشکلات اخبار از آن استفاده می کنند.

سپس نویسنده مقاله ذیل سومین ویژگی بحار به اشکال مهمی که بسیاری بر بحار گرفته اند پرداخته و می گوید: «این تصور که مجلسی همچون حافظ لیل گوهر و خزف را به یک رشته کشیده است به این می ماند که چون در یک دایرة المعارف از گاه تا کهنکشان و شرق و غرب یاد می شود

آن مجموعه را جمع پریشان نامید». در اینجا توجه به این نکته لازم است که اشکال بر سر گردآوری مطالب پراکنده و جمع نمودن مباحث متفرق نیست؛ زیرا این حُسن یک کتاب است نه عیب آن بلکه اشکال عمده آن است که چرا گوهر و خزف را به یک رشته کشیده و در یک سیاق قرار داده است و اصلاً چرا مطالب ضعیف و سقیم را نقل نموده است و همه آنچه در این کتاب است - به نحو موجه کلیه - قابل اعتماد و پذیرش نیست، و از طرفی چون توضیحات علامه مجلسی همراه با عجله و ضیق وقت بوده است از دقت لازم برخوردار نیستند. برای پاسخ به این اشکال به یک جواب نقضی و تشبیه به یک دایرة المعارف نمی توان اکتفا کرد، گذشته از آنکه این جواب ربطی به آن اشکال ندارد.

بنابراین بهتر بود گفته شود اشکالاتی که بر بحارالأنوار ذکر شده غالباً معلول توجه نکردن به هدف از تألیف این مجموعه گرانقدر است؛ زیرا:

اولاً هدف علامه مجلسی - آن گونه که معروف است - جمع آوری روایاتی بوده که احتمال تلف و ضایع شدن آنها وجود داشته است و به همین جهت در مقدمه بحارالأنوار فرموده است^۲ که از کتابهای متواتر مضبوط، همچون کتب اربعه، چیزی نقل نمی کنم؛ زیرا در آنها چنین احتمالی وجود ندارد.

ثانیاً گاهی هدف از تألیف یک کتاب تنها جمع آوری روایات ضعیف و نادر و پراکنده است و این از ارزش و اعتبار کتاب چیزی نمی کاهد. ثالثاً هر محققى وقتى به کتابى مى نگرد، قطعاً به

مواردی برخورد خواهد کرد که با مؤلف آن هم عقیده نیست. اما این موجب آن نمی شود که آن کتاب را رمی کند به اینکه مشتمل بر غث و سمین است. مثلاً شیخ صدوق - رضوان الله علیه - خواسته است که تنها در فقه آنچه بین او و پروردگارش حجت است و آن را صحیح می داند

۱. بحارالأنوار، مقدمه، ج ۵۳، بدون شماره صفحه.

۲. همان، ج ۱، ص ۴۸.

نقل کند،^۱ اما با این حال روایات غیر قابل استنادی هم در آن وجود دارد. اصلاً نویسنده کتاب نباید نظر خود را تحمیل به دیگران نموده و تنها آنچه را خود صحیح می‌داند به دیگران تحویل دهد. آیت الله علامه شعرانی - قدس سره - می‌فرماید: «اگر هدف علامه مجلسی تنها نقل روایات صحیح و قابل اعتماد بود، آن را انجام می‌داد، ولی به جهاتی از آن صرف نظر کرد؛ مثل کمی فرصت یا بازگذاشتن راه تحقیق و اظهار نظر برای دیگران و جلوگیری از این تصور باطل که محدثان آنچه را خود قبول ندارند نقل نمی‌کنند و روایت را با درایت ذهنی خود عجزین می‌کنند؛ همان گونه که بعضی از محدثان غیر شیعی روایت غدیر را چون با آراء آنان موافق نبود نقل نکردند. به این جهت علامه مجلسی هر چه را یافت نقل کرد و بحث درباره آنها را برای آیندگان گذارد».^۲

به هر حال آقای خرمشاهی هدف علامه مجلسی را از این تألیف بزرگ بیان نکرده است. ما آن را در مقاله‌ای که در آغاز المعجم المفهرس لالفاظ احادیث بحار الانوار چاپ شده توضیح داده‌ایم.^{۱۲} در ادامه مقاله آمده است: «یکی دیگر از وجوه ارزنده روش مجلسی اختصار اسناد و اخبار است».

اختصار اخبار که اصطلاحاً به آن تقطیع اخبار گفته می‌شود هرگز کار پسندیده‌ای نیست؛ زیرا غالباً قرائن روایات به واسطه تقطیع از بین می‌روند و علامه مجلسی کاملاً به این نکته وقوف داشته و از آن پرهیز نموده است. بلکه بر سیدرضی و قطب راوندی - اعلی الله مقامهما - همین اعتراض را دارد که چرا آنها روایات را تلخیص نموده‌اند که موجب فوت بعضی از فوائد و قرائن شده است.^۳ و تعجب است که چگونه آقای خرمشاهی چیزی را که اگر در هر کتابی باشد از معایب آن به شمار می‌رود و خود علامه مجلسی نیز آن را ناپسند می‌داند، از وجوه ارزنده روش مجلسی می‌داند.

انگیزه اصلی مرحوم آیت الله العظمی بروجردی بر امر به تدوین کتاب جامع احادیث الشیعه همین بوده است که دیده‌اند در بسیاری از موازد شیخ حر عاملی - رضوان الله علیه - روایات را در کتاب وسائل الشیعه تقطیع نموده و چه بسا قرائنی که در صدر روایات بر ذیل آنها یا بالعکس بوده

که به این جهت فوت شده است؛ لذا ایشان امر به تدوین جامع احادیث الشیعه فرمودند تا هر روایتی را در یک جای کتاب به طور کامل نقل نمایند و در سایر ابواب، اگر آن را تقطیع کردند، اشاره کنند که متن کامل آن روایت در فلان باب نقل شده است. بنابراین بهتر بود نویسنده مقاله به جای آنکه اختصار اخبار را از وجوه ارزنده روش مجلسی قرار بدهد، بگوید: یکی از ویژگیهای ارزنده بحار الانوار این است که گرچه در هر بابی همان فقراتی از احادیث که مربوط به آن باب است در آن آمده، ولی تمام حدیث در جای دیگر نیز نقل شده و به موضع آن هم اشاره شده که چیزی از فواید حدیث فوت نشود. به عنوان مثال در ج ۶ ص ۱۱۸ می‌فرماید: «سیاتی الخبر بتمامه و اسناده و شرحه فی کتاب السماء و العالم» و در ج ۶ ص ۱۵۲ می‌فرماید: «سیاتی تمامه فی باب قضاء حجة المؤمن». در اینجا تذکر این نکته نیز لازم است که علامه مجلسی در مقدمه بحار فرموده است: «ثم إنّه قد حاز کلّ باب منه إما تمام الخبر المتعلق بعنوانه أو الجزء الذي يتعلّق به مع إيراد تمامه فی موضع آخر الیق به أو الإشارة إلى المقام المذكور فیهِ لكونه أنسب بذلك المقام».^۴ آقای خرمشاهی این عبارت را این گونه ترجمه کرده است: «در این کتاب هر بابی یا تمام اخبار متعلق به یک موضوع را در بر دارد یا بخشی از آن را و قسمت عمده را به بخش یا بابی که مناسبتر بوده است برده‌ام و به آن موضع در همین باب اشاره کرده‌ام». همان گونه که ملاحظه می‌شود، کلام علامه مجلسی این نیست که هر بابی همه روایات مربوط به آن

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳.

۲. بحار الانوار، مقدمه، جلد ۵۳، بدون شماره صفحه. در این باره نگارنده در مقاله‌ای که در آغاز المعجم المفهرس لالفاظ احادیث بحار الانوار چاپ شده مفصلاً توضیح داده‌ام.

۳. همان، ج ۵۷، ص ۱۵۸ و نیز ج ۱۴، ص ۱۵۹.

۴. همان، ج ۱، ص ۴.

موضوع و یا بخشی از آن روایات را داراست، بلکه در این عبارت مسأله تقطیع و اختصار اخبار مطرح شده و می گوید هر خبری را یا به طور کامل در آن باب ذکر کرده ام یا اگر آن را تقطیع کرده و قسمتی از آن روایت را در یک باب آورده ام، آن را به طور کامل در جای دیگری نقل کرده ام. ولی ظاهر کلام آقای خرمشاهی آن است که می گوید: در هر بابی یا همه روایات - در حالی که در عبارت مجلسی «تمام الخبر» است نه «جمیع الاخبار» - متعلق به آن موضوع را آورده است و یا بخشی از روایات را آورده و قسمت دیگر روایات را در بابی که مناسبتر بوده است.

۱۳- درباره چگونگی همکاری خسواتن مجلسی از شاگردانش عبارتی را از قصص العلماء تنکابنی نقل کرده است: «طریقه مجلسی آن بود که مثلاً در مسئله نزول باران و رعد و برق می خواست تحقیق نماید به یکی از شاگردان می گفت که آیات متعلق به باران و رعد و برق را جمع کن. پس آن تلمیذ آیات را جمع می کرد و در زیر آن کاغذ سفید می گذاشت تا آخوند ملا محمدباقر در زیر آن، بیانات و تحقیقات را بنویسد. و به تلمیذ دیگر می گفت اخباری که در این عنوان است از فلان کتاب جمع کن و بنویس و بیاور. پس آن اخبار را آن تلمیذ جمع می کرد و خبر را می نوشت و تحت آن کاغذ سفید می گذاشت که اگر آخوند بخواهد، بیان و تحقیقی بنویسد».

کسی که این عبارت را می خواند، تصور می کند که کار علامه مجلسی تنها تعیین موضوع و دستور جمع آوری آیات و روایات و احیاناً، اگر چیزی نیاز به شرح و تفسیر دارد بیان توضیح آنها بوده است. در حالی که علامه مجلسی گذشته از تعیین موضوع، مظان وجود روایات را بر شاگردان خود مشخص می نموده است که یکی از مهمترین کارها در تحقیق علمی، پیدا کردن منابع و محل وجود مطالب مربوط به آن موضوع است. علاوه بر آنکه نظم و ترتیب روایات نیز به عهده خود علامه مجلسی بوده است و گاهی بعضی روایات را کنار می گذاشت که مثلاً با موضوع ارتباط ندارند و بعد به حکم و اصلاح و تنظیم و تبویب آنها می پرداخت. (ر. ک: اعیان الشیعه، ج ۹ ص ۱۸۳).

اینکه مرحوم تنکابنی گفته است که علامه مجلسی موضوع باب را مشخص می کرد، ولی روایات را شاگردان می نوشتند، مطابق است با بعضی از نسخه های خطی بحارالانوار. مرحوم آیت الله ربانی در وصف یک نسخه خطی بحار می فرماید: «... و النسخة مخطوطة بخط جید فی غایة الدقة والانتقان معلمة بخطوط أفقیة بالحمرة کتب المصنف بخطه الشریف عناوین أبوابها ورموز مصادرهما و تفسیر الآیات و شروح ألفاظ الحدیث و أمّا متون الأحادیث فهي بخط غیره».^۱ ولی همه نسخه های بحارالانوار چنین نیستند، بلکه بعضی از نسخه ها کاملاً برعکس آن چیزی است که تنکابنی گفته است. یعنی علامه مجلسی به خط شریف خود آیات و اخبار ابواب را نوشته است، اما تفسیر آنها به خط شاگردان وی می باشد. همان گونه که جناب آقای بهبودی در مقدمه جلد ۷۱ گفته است. و معلوم می شود که کار شاگردان بیشتر استنساخ بوده است.

۱۴- در پاسخ به این سؤال که آیا بحارالانوار کتب اربعه را در بردارد یا نه؟ نویسنده مقاله پس از نقل کلامی از ریاض العلماء و نیز آقای محمد تقی دانش پژوه می گوید: «چه بسا احادیث مندرج در کتب اربعه از طریق منابع آنها و اصول معتبره قدیمی در بحارالانوار راه یافته و مندرج گردیده است. دیگر آنکه سه کتاب کافی (با رمز «کا»)، تهذیب (با رمز «یب»)، و من لایحضره الفقیه (با رمز «یه»)، در فهرست اختصارات یا رموز بحارالانوار دیده می شود و طبعاً حاکی از مراجعه مجلسی به آنهاست. ولی ممکن است این مراجعه در قسمت «بیان» یعنی توضیح و تعلیقات مجلسی بوده باشد».

علامه مجلسی انگیزه و موجبی برای نقل همه روایات کتب اربعه در بحارالانوار نداشته است، ولی فراوان از آنها استفاده کرده است. در مقدمه بحار می فرماید: «ثم اعلم أنا... همان، ج ۱۵، مقدمه کتاب».

إنما تركنا إيراد أخبار بعض الكتب المتواترة في كتابنا هذا كالكتب الأربعة لكونها متواترة مضبوطة لعلها لا يجوز السعي في نسخها وتركها وإن احتجنا في بعض المواضع إلى إيراد خبر منها فهذه رموزها «كا» للكافي «يب» للتهذيب، «صا» للاستبصار، «يه» لمن لا يحضره الفقيه.^۱

علامه مجلسی در این کلام می گوید: چون کتب اربعه متواتر و مضبوط هستند و از طرفی جمع آوری آنها در بحار الأنوار چه بسا موجب متروک شدن آنها گردد، لازم نیست آنها را در این کتاب ذکر کنیم. سپس رموز هر چهار کتاب را ذکر کرده است که اگر لازم شد حدیثی از آنها نقل کند از آن رموز استفاده نماید. و شاید علت آنکه رمز «صا» که در عبارت فوق آمده بود، اما در فهرست اختصارات یا رموز بحار الأنوار نیامده است، این باشد که استفاده از استبصار در بحار یا اصلاً وجود ندارد یا اگر هست ملحق به معدوم است و به همین جهت رمز آن در شمار اختصارات کتاب نیامده است.

اما آنکه نویسنده مقاله گفته است: «ولی ممکن است این مراجعه در قسمت «بیان» یعنی توضیح و تعلیقات مجلسی بوده باشد»، قطعاً نادرست است. زیرا به عنوان نمونه در جلد ۶ بحار باب ۸ که در احوال برزخ است مجموعاً ۱۲۸ حدیث نقل کرده که ۳۸ حدیث آن - یعنی از حدیث شماره ۸۹ تا ۱۲۷ از ص ۲۵۶ تا ۲۷۰ - را از کتاب کافی نقل کرده است و هیچکدام مربوط به قسمت توضیح و تعلیقات نمی باشند. و نیز در ج ۸۳ باب ۱۰ تحقیق منتصف اللیل (از ص ۸۳ تا ۱۳۴) مجموعاً ۶۸ روایت از کتب اربعه نقل شده است.

۱۵- تعداد منابع بحار را این گونه بیان کرده است: «این منابع نزدیک به چهارصد عنوان است». با توجه به آنکه خود نویسنده گفته است که حدود نود منبع از کتابهای اهل سنت نیز جزء منابع بحار بوده است و تنها منابع شیعی آن حدود چهارصد کتاب است و از طرفی بیش از یکصد اجازه نیز در آخر بحار آمده که بسیاری از آنها تألیف مستقل به شمار می آیند بهتر بود بگوید: این منابع نزدیک به ششصد عنوان است.

۱۶- سپس نویسنده مقاله اشاره ای به رموز و

اختصارات بحار الأنوار کرده است. در اینجا خوب بود این را تذکر می دادند که علامه مجلسی پس از انتشار بسیاری از مجلدات بحار همه رموز را حذف کرده و نام کامل آن کتابها را می نوشته است تا اشتباهی پیش نیاید؛ همان گونه که در جلد ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶ از رموز کتاب استفاده نشده است.

۱۷- در ذیل فهرستهای بحار الأنوار در مقاله مورد بحث آمده است: (۴) فهرست بحار الأنوار. در حالی که نام صحیح این کتاب فهرس مصنفات الاصحاب است؛ همان گونه که خود علامه مجلسی در جلد ۱۰۶، ص ۷ فرموده است.

ضمناً چند فهرست دیگر نیز وجود دارد که اشاره به آنها مفید است. مانند «معجم احادیث الشيعة المذكورة في بحار الأنوار» از محمد حسین حسینی جلالی کشمیری،^۲ «فهرست الكتب المأخوذ منها البحار» از سید محمد بن احمد حسینی^۳ و «بحار الأنوار فی تفسیر المأثور للقرآن» از کاظم مراد خانی.^{*}

۱۸- در ادامه مقاله آمده است: «مجلد ۱۰۵ تمامی کتاب فیض القدسی فی ترجمة العلامة المجلسی نوشته حاجی میرزا حسین نوری است». خواننده از این عبارت چنین نتیجه می گیرد که تمامی مجلد ۱۰۵ بحار همان فیض القدسی است، در حالی که تنها ۱۲۰ صفحه آن اختصاص به فیض القدسی دارد.

خوب بود نویسنده محترم اشاره می کردند که در جلد ۵۳ نیز از ص ۱۹۹ تا ۳۳۶ کتاب «جنة المأوی فی ذکر من فاز بلقاء الحجة - علیه السلام - أو معجزته فی الغيبة الكبرى» تألیف حاجی نوری است که همراه بحار طبع گردیده است.

۱. همان، ج ۱، ص ۴۸.

۲. الذریعه، ج ۲۱، ص ۲۱۷.

۳. همان، ج ۱۶، ص ۳۹۱.

